

# گنه کرد در بلخ آهنگری؛ به شوشتر زدند گردن مسگری

دربارهٔ الی... / اصغر فرهادی / ۱۳۸۷ / یادداشت اول

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : دی ماه ۱۳۸۷

این یادداشت با عنوان فرعی «درباره الی دهها ویژگی مهم تر از حضور گلشیفته فراهانی دارد»، چند روز پیش از شروع بیست و هفتمین جشنواره فیلم فجر در واکنش به ممنوعیتی که مدیران سینمایی به دلیل حضور گلشیفته فراهانی در این فیلم اعلام کرده بودند، نوشته و در روزنامه اعتماد چاپ شد.

\*

\*

این را همه شنیده‌اید: از امام علی(ع) نقل است که فرمود «نبینید که حرف می‌زند. ببینید چه می‌گوید». یکی از تعبیر چندگانه ما می‌تواند این باشد که سایر اعمال و ابعاد ناراست آدم‌ها نمی‌تواند بر صحت و سلامت حرف درستی که گاه ممکن است به زبان بیاورند، خدشه وارد کند. تعبیر دیگری در همین امتداد، می‌تواند این گونه باشد که حتی اعمال ناروای آدمی عمل نیک او در زمانی دیگر را بی‌اثر نخواهد کرد؛ چه رسد به این که عمل فرضاً ناپسند یکی بخواهد کارنامه اعمال آدمی دیگر را سیاه یا کارش را موقوف سازد. به گمانم مضمون این یادداشت و نوع نگاه پیشنهادی‌اش تا همین جا روشن است. قصد مظلوم‌نمایی یا حاشیه‌روی یا جنجال‌سازی در بین نیست. این واقعیتی سینمایی است که فیلم «درباره الی» نمی‌تواند بابت فیلم آمریکایی دیگری که گلشیفته فراهانی بعد از حضور در فیلم اصغر فرهادی در آن بازی کرده، مجازات شود. آن فیلم و این بازیگر نه تنها ربطی به حرف و حس انسانی و اخلاقی بسیار عمیق و ظریف فیلم فرهادی ندارند، بلکه حتی نقش فراهانی در فیلم نیز کلیدی و اساسی نیست. به جای او مثلاً باران کوثری یا پگاه آهنگرانی یا هر بازیگر زن جوان دیگر که ریتم تندی داشته باشد و بتواند دیالوگ‌هایش را به جای خطابه‌گویی برخی بازیگران قدیمی‌تر، توی هم و در عین حال واضح بگوید، می‌توانست نقش سپیده را در فیلم بازی کند.

وقتی فیلم «درباره الی» منهای همین یک عضو از مجموعه ده دوازده نفری بازیگرانش و کل چهل پنجاه نفر گروه سازنده اش، هیچ ویژگی در دسرساز مضمونی و اجتماعی و سیاسی ندارد و حتی در قیاس با «چهارشنبه سوری»، با وجود دغدغه های انسان شناسانه و روانشناختی گسترده تر از آن فیلم، مسئله حساس و ملتهبی چون خیانت هم به آن شکل در کانون روایتش نیست، چگونه می توان روا دانست که فقط از همین یک حفره ناخواسته، چنین شدید گزیده شود؟

فیلم «دیوار» محمدعلی طالبی با بازی فراهانی در نقش دختر موتورسواری که دیوار مرگ را دور می زند، درست یک هفته پیش از اعلام نشدن نام «درباره الی» در فیلم های بخش مسابقه جشنواره بیست و هفتم، وارد شبکه ویدئویی شد. چگونه است که فیلم خنثی و زیرمتوسطی چون آن، برای این که در دستگاه نمایش خانگی مردم رؤیت شود، مشکلی ندارد و مسئله یی ایجاد نمی کند؟ و مگر اساساً میان آن فیلم و فیلم فرهادی و هر فیلم قدیمی تری که فراهانی در سال های پیش از خروج از ایران بازی کرده بود، به لحاظ ارائه تصویر فراهانی، تفاوتی هست؟ مگر می توان این نام و بازی های مختلفش را از تاریخ سینمای ایران حذف کرد که حالا فکر می کنیم با نمایش فیلم تازه کامل شده فرهادی، نباید تماشاگر را به یاد فراهانی بباندازیم؟ اصلاً چرا باید سرنوشت فیلمی چنین بی مشکل به رفتار و تصمیم یکی از بازیگران آن که به زندگی شخصی و شغلی خودش مربوط می شود و ربطی به نقش و حضورش در این فیلم ندارد، پیوند بخورد؟

اینها برای شخص من به ویژه از این جهت تلخ و غمبار می نماید که معتقدم مضمون اصلی یا یکی از درونمایه های ارزشمند انسانی «درباره الی» همین است که ما در زندگی های شهری معاصر و روابط میان افراد، مدام یکی را بابت مجموعه رفتارها یا خطاها یا راست نگفتن های دیگری یا دیگران قضاوت می کنیم و زیر سؤال می بریم. آن جا که یکی از شخصیت های جمع حاضر در ویلای لوکیشن اصلی فیلم، جایی نزدیک به اواخر آن، مهم ترین حرف راست قصه را نمی زند، قضاوت طرف مقابل که انتظار آن حرف دارد جاننش را

می گیرد، یکسره به همین لحظه وابسته می شود. او احتمالاً درباره الی بر مبنای خطاهای دیگران قضاوت می کند و نمی داند که اصل ماجرا به گونه یی دیگر بوده. ولی ما که داریم درباره «درباره الی» چنین قضاوت می کنیم، می دانیم که سازنده اش مطلقاً سهم و شراکتی در تصمیم فرضاً خطای دیگری و دیگران نداشته است. با وقوف به این امر اگر سینمای ایران و علاقه مندان پیگیرش را از این فیلم و ساختار سنجیده و وجوه انسانی اش محروم کنیم، آیا نامه اقرار به داوری بی رحمانه و نامنصفانه خویش را امضا نکرده ایم؟ و آیا رفتاری متین تر از این که فرهادی با این موضوع و خود فیلم با مضمون مشابه اش کرده و می کند، قابل تصور است؟ و آیا اینها نباید جایی میان تشخیص خیرخواهان و مغرضان، تأثیری بگذارد؟